



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۷/۲۹

نجیب داوری

## فصل های ناتمام داوود خان قابل انکار نیست

قسمت اول

در چهل و پنجمین سالروز اعلان جمهوریت در کشور توسط شهید محمد داوود خان، نظریات و ایده های مختلفی در فضای مجازی اعم از روزنامه ها، تلویزیونها، رادیوها، شبکه های اجتماعی و غیره به ارتباط شخصیت شهید داوود خان و جمهوری پنج ساله وی ارائه شد. عده ای از کفایت، درایت، پاک نفسی، وطنپرستی و اخلاق بالای داوود خان سخن زدند و عده دیگری هم در تقبیح از کودتای ۲۶ سرطان، تحول مذکور را پلی برای بدبختی های بعدی قلمداد کردند. از ورأ نوشته ها، گرد میزها، مصاحبه ها و غیره تبصره های که به ارتباط تحول ۲۶ سرطان و شخصیت شهید داوود خان طی یکی دو هفته اخیر در رسانه های چاپی، صوتی، سمعی و انترنتی، چنین میتوان چکیده گرفت که گروه ها و اشخاص آتی در پی تخریب شخصیت داوود خان بوده اند و هستند.

• آنهاییکه در پی تحریف حقایق تاریخ سه صد سال اخیر افغانستان یا بهتر بگوییم که در پی تحریف تاریخ افغانستان معاصراند، از قبیل افغانستانی و خراسانی های نوظهور و غیره کسانی که مطابق به خواست ارباب تهران در پی بدنامی و کم جلوه دادن تأثیرپذیری شخصیتها و قهرمانان ملی افغان اند

• مجریان و هوا خواهان کودتای خونین و ننگین ثور، بخاطر تسکین درد وجدانهای شان از بابت خسارات جبران ناپذیری که طی چهل سال اخیر به میهن و مردم ما ناشی از کودتای مذکور وارد شده - و وانمود ساختن اینکه اگر کودتای سرطان صورت نمیگرفت، کودتای ثور نیز بوقوع نمی پیوست.

• هوا خواهان شاه سابق و کلیه کسانی که با تحول ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ منافع شخصی و مقام دولتی شانرا از دست دادند

• کسانی که هنوز قادر بدرک واقعیت های تاریخی نبوده؛ آگاهانه یا نا آگاهانه از فهم تاریخ روی منطبق و برهان خودشانرا کنار کشیده و گاهی هم تحت تاثیر افواهاات سرچوکی و فیسبوکی که توسط سه گروه بالا دامن زده میشود، اغوا میشوند.

در این میان شخصی بنام فردوس در روزنامه هشت صبح نوشت « داوودخان فصل ناتمام ندارد» و به تعقیب آن تحول ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ را به رقابت امیرزاده گان کلاسیک به بررسی گرفته و طالایات چند را قطار کرده است. محترم فردوس که ظاهراً یکی نویسندگان با نام نشان معروف ترین و پر تیراژ ترین روزنامه شهر کابل میباشد، حتماً در جریان اند که در میان ده ها پروژه و فصل های نا تمام اجتماعی - اقتصادی شهید داوودخان که در امر رفاه، ترقی و خود کفایی ملت افغانستان در پلان هفت انکشافی اول آن مرحومی در نظام جمهوریت در نظر گرفته شده بود فقط تعداد انگشت شمار آن اخیراً افتتاح و یا هم از سوی رئیس جمهور فعلی اشرف غنی در حصه اكمال آنها هدایاتی صادر شده است. از جمله میتوان از افتتاح بند آبگردان سلما بعد از ۳۴ سال معطلی در سال ۱۳۹۵ نام برد؛ به اساس پلان بند مذکور باید در سال ۱۳۶۱ افتتاح میشد. همچنان اخیراً ادامه ساخت فابریکه تولید سمنت هرات بعد از نزدیک به چهل سال توقف دو باره از سر گرفته شد. به اضافه این، حضور جناب فردوس اگر این سطور را میخوانند یاد آور میشوم که بدنبال شکست فصل ناتمام شاه امان الله در سال ۱۳۰۸ در امر نضهت و آزادی زن - شهید داوود خان با قبول ریسک و خطرات حتی در سطح قیام ها، فصل مذکور را تمام و آزادی های قبول شده اجتماعی را در سال ۱۳۳۸ بار دیگر به زنان افغانستان باز گردانید. ولی بدنبال سقوط رژیم وابسته به حدخا در سال ۱۳۷۱ هجری خورشیدی و حضور دولتهای مجاهدین و طالبان، آزادی های مدنی زنان افغان شدیداً صدمه دید که هنوز بعد از ۱۷ سال دموکراسی، آزادی زنان نتوانسته است طور شاید و باید بمانند دهه های چهل و پنجاه خورشیدی قد راست کند. حالا برگشتاندن آزادی های مدنی برای زنان افغان با معیار های دهه چهل و پنجاه هجری - شمسی یا آنچه را که داوود خان به زنان افغان ارزانی داشته بود، تکمیل فصل ناتمام نیست؟ نخستین پلان هفت ساله رژیم جمهوریت که

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولئ

مجموعه عظیمی از تاسیسات زیربنایی اعم از بند و انهار، استخراج معادن، و تاسیس فابریکات ذوب فلزات و وسایل صنعتی بود در سال ۱۳۵۵ هجری خورشیدی آغاز و در سال ۱۳۶۲ مطابق پلان باید به پایه اكمال میرسید، که در صورت عدم وقوع کودتای ثور مردم افغانستان در همان وقت یعنی ۳۵ سال قبل در بسیاری از موارد اقتصادی به خودکفایی رسیده بودند. البته تطبیق پنج پلان هفت ساله دیگر باشد درجایش. خلاصه اینکه فصل های نا تمام داوود خان وقتی تمام خواهد شد که افغانستان خود کفا، مرفه و قوی در منطقه ظهور کند. انکار از فصل های نا تمام داوود خان واضحاً انکار از تاریخ است.

نسل های آگاه و مردم قدرمن افغانستان بخاطر دارند و تاریخ گواه آنست که داوود خان در عهده پست صدارت در هنگام پادشاهی رژیم ظاهرشاه با عرق ریزی های بی پایان و ممتد توانست افغانستان را در مسیر رشد طبیعی توسعه اجتماعی - اقتصادی قرار دهد؛ در همین برهه جاده های اسفالت یا قیر کشور از رقم خنده آور ۱۱ کیلو متر به دو هزار کیلومتر ارتقا، و همزمان افغانستان صاحب ده ها فابریکه عمده تولیدی و موسسات متعدد صنعتی شد. بدنبال بطالت دوران دموکراسی تاجدار در امر رشد اقتصاد و صنعت کشور، با تاسیس نظام جمهوریت در سال ۱۳۵۲ این رشد دوباره بر شد طبیعی اش برگشت و نسل های زنده و واقع گرا بخاطر دارند که در دوران جمهوری داوود خان روز تا روز وضعیت اقتصادی مردم بهتر و بهتر میشد، سقوط نرخ دالر از ۶۰ افغانی در رژیم شاهی به ۳۳.۵۰ افغانی در آخرین سالهای جمهوریت نتیجه کار زحمت و کوشی ها رژیم جمهوریت و رهبری اش بوده است نه نتیجه کدام کار تصادفی؛ خلاصه اینکه در جریان پنج سال جمهوریت داوود خان تحرکات و پیشرفت های محسوسی در امر تطبیق قانون و تحولات چشمگیری در راه بهبود وضع اقتصادی، صحتی، تعلیمی، فرهنگی و غیره و غیره مردم رونما شد، که در صورت ادامه شاید حالا مردم افغانستان یکی از مرفعه ترین کشور جهان را در اختیار میداشتند.

جناب فردوس مینویسند " کودتای داوودخان مسیر طبیعی توسعه سیاسی افغانستان را دچار عقبگرد کرد. با آن که دموکراسی دهی چهل غیر حزبی بود، شاه از توشیح قانون احزاب امتناع می کرد و قانون اساسی آن زمان به پادشاه اختیارات گسترده داده بود، اما با توجه به وضعیت آن زمان، مجموع دهی چهل، گام های مهمی در راه توسعه سیاسی کشور بود. کودتای داوودخان این مسیر طبیعی توسعه سیاسی را متوقف کرد. توقف مسیر طبیعی توسعه سیاسی سبب شد که مجموع نیروهای سیاسی به براندازی بیندیشند. داوودخان خود هم قربانی همین تفکر براندازی شد. به همین دلیل می توانیم بگوییم که داوودخان برای افغانستان امروز الگوی مطلوب نیست و هیچ فصل ناتمامی ندارد" قبل از اینکه وارد بحث سیاسی شویم، به ارتباط این ادعای جناب فردوس که گویا « داوود خان برای افغانستان امروز الگوی مطلوب نیست» عرض میشود - که در شرایط آشفته بازار آزاد کنونی منطقه که افغانستان بعنوان یک کشور مصرفی عرض اندام نموده و خیرات های بین المللی بدون اینکه در داخل افغانستان هزینه شود، بصورت تمام عیار جهت خرید مواد خوراکی و اشیای مصرفی راهی کشور های همسایه بخصوص پاکستان، ایران و چین میشود، تطبیق الگوی اقتصادی و پلان های زیر بنایی داوود خان بهترین راه برای نجات مردم افغانستان از فقر و بدبختی است. زیرا در شرایط فعلی با در نظر داشت اینکه همسایه گان مغرض و نوکران گروگان گیر داخلی شان پیهم وضعیت اقتصادی کشور و سرمایه گذاران ملی افغان را سبوتاژ میکنند. هیچ سرمایه داری حاضر نیست که در بخش های عمده زیربنایی و تولیدی کشور سرمایه گذاری کند. پس بهتر آن خواهد که دولت کنونی با الهام از الگوی داوود خان در راه خودکفایی افغانستان دست بکار شود. اگر طی ۱۷ سال اخیر دولت های حامد کرزی و اشرف غنی متوجه این نکته شده و نخستین طرح پلان هفت ساله انکشافی اجتماعی - اقتصادی داوود خان را که در سال ۱۳۵۵ طرح و بیشترین آنها تا سطح دیزاین و ساختمان هم پیشرفته بود از آرشیف وزارت پلان سابقه یا اقتصاد کنونی بیرون و به مرحله اجرا میگذاشتند، بدون شک امروز افغانستان حد اقل از بابت گندم و برق خود کفا میبود؛ ما ضرورت به برق و گندم وارده نداشته و از این طریق سالانه صد ها و حتی میلیارد دالر در داخل کشور هزینه میکردیم.

ثانیاً مجموع نیرو های سیاسی داخل افغانستان عامل براندازی جمهوری داوود خان نشدند، بلکه توطئه از جانب اتحاد شوروی علیه داوود خان و مردم افغانستان طرح و هنگامی صورت عملی بخود گرفت که داوود خان نخواست خلاف منافع ملی و خلاف میل قاطبه مردم افغانستان سیاست های ملی و بین المللی رژیم جمهوری را مطابق به میل و خواست غدارانه دار دسته کریملین عیار سازد، زیرا درگیر دار جنگ سرد و تقسیمات معاملات بزرگ پشت پرده آنوقت جهان، افغانستان جزء بلامنازعه ساحه قدرت غیر رسمی اتحاد شوروی وقت محسوب میشد. و ارباب کریملین هم توقع داشتند که رهبران کشورهای نظیر افغانستان به هر خواست حق و ناحق شان لبیک بگویند؛ به اساس همین خیال واهی رهبران کریملین از داوود خان درست همان تقاضا های نامشروع را داشتند که حالا حاکمان نظامی و غیر نظامی پاکستان از دولتمردان فعلی افغانستان دارند. مگر مردی به مانند داوود خان میتوانست در برابر چنین تقاضا ها و زورگویی ها بی تفاوت باشد. با آنهم و با آنکه هیچ خطری از سوی داوود خان، اتحاد شوروی را تهدید نمی کرد و سرحدات شوروی وقت مصون ترین سرحدات در میان سرحدات اش با کشور های غیر سوسیالیستی بود. اما شوروی در یک اشتباه غیر قابل بخشش داوود خان و رژیم اش را سرنگون و تراژدی های بعدی را برای مردم افغانستان رقم زد. اشتباه ای که خود بزودی پشیمان، اما متأسفانه که کار از کار گذشته بود. زیرا رو آوردن شوروی به

ياران وفادار محمد داوود خان چون نوراحمد اعتمادی و محمد حسن شرق و خيال باز گشت به دوره ماقبل قدرت حزب دموکراتیک خلق صورت عملی بخود نگرفته و از سوی قدرتمندان حدخا سبوتازر شد.  
ادامه دارد.

---

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ